**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه195 – 21/ 12/ 1397 زیادی جزء / اقل و اکثر ارتباطی /قاعده احتیاط**

خلاصه بحث:

بحث در زیادی جزء در اقل و اکثر ارتباطی است. مرحوم آخوند، قائل به صحت عبادت شده است. در این جلسه، ضمن توضیح مختصر کلام مرحوم آخوند، فرق بین خطای در تطبیق و تقیید به صورت اشاره توضیح داده شده و در مورد بحث تطبیق می شود.

**کلام مرحوم آخوند در زیادی جزء**

مرحوم آخوند فرمود: کسی که نماز را همراه با زیادی اتیان کرده اعم از اینکه عمدا یا جهلا، به جهل قصوری یا تقصیری، زیاده را انجام داده باشد،

گاه داعی او بر اتیان صلاه، نماز مقید به زیاده است به نحوی که اگر نماز با زیاده نبود، نماز را انجام نمی داد. در این صورت، نماز باطل است زیرا محرّک مکلّف برای انجام عمل، امری خیالی و وهمی است و واقعیتی ندارد.

گاه داعی و محرّک او بر اتیان صلاه، نماز علی ای تقدیر است، در این صورت نماز صحیح است و در صورتی که زیاده را عمدی یا به جهل تقصیری انجام داده باشد، به خاطر اتیان زیاده معصیت کرده و در صورتی که زیاده را به جهل قصوری یا از روی سهو انجام داده باشد، معصیتی نکرده است. ایشان در این زمینه فرموده است: **«فیصحّ لو أتی به مع الزیادة عمداً تشریعاً أو جهلًا قصوراً أو تقصیراً أو سهواً، و إن استقلّ العقل لو لا النقل بلزوم الاحتیاط، لقاعدة الاشتغال»‏**[[1]](#footnote-1)

ظاهر عبارت مرحوم آخوند این است که به علت جریان برائت نقلی از اشتراط عدم زیاده،[[2]](#footnote-2) عمل با زیاده در فرض شک در وجوب زائد صحیح است حتی اگر به صورت عمدی و از روی تشریع زیاده را انجام داده باشد.[[3]](#footnote-3)

ایشان در ادامه می فرماید: **«نعم‏ لو کان‏ عبادة و أتی به کذلک‏ علی نحو لو لم یکن للزائد دخل فیه لما یدعو إلیه وجوبه، لکان باطلًا مطلقاً أو فی صورة عدم دخله فیه‏ لعدم قصد الامتثال فی هذه الصورة، مع استقلال العقل بلزوم الإعادة مع‏ اشتباه‏ الحال‏ لقاعدة الاشتغال. و أمّا لو أتی به علی نحو یدعوه إلیه علی أی حال، کان صحیحا و لو کان مشرّعا فی دخله الزائد فیه بنحو مع عدم علمه بدخله؛ فإنّ تشریعه فی تطبیق المأتی مع المأمور به، و هو لا ینافی قصده الامتثال و التقرب علی کل حال‏.»** در جلسه گذشته مراد از این عبارت توضیح داده شد.

ظاهرا مرحوم آخوند در این عبارت، بین این که مشتمل بودن مأتی به بر جزء زائد، قید قصد بوده یا از باب خطای در تطبیق است، تفصیل می دهند. حاج آقای والد در بحث تفاوت بین خطای در تطبیق و تقیید، بحث مفصّلی دارند که در آینده بدان اشاره می شود.

**کلام مرحوم شیخ: صحت در فرض زیادی سهوی و بطلان در زیادی عمدی تشریعی**

مرحوم شیخ در کلام خود بین زیاده عمدی و سهوی تفصیل قائل شده و در صورت زیاده عمدی جزء به علت تشریع عمل را باطل دانسته و در صورت زیادی سهوی، عمل را صحیح می داند. اما امکان دارد به تقریبی، در صورت زیاده عمدی عمل را صحیح دانسته و درصورت زیاده سهوی عمل را باطل دانست.

**تقریب برای بطلان در زیادی سهوی و صحت در زیادی تشریعی**

 علت بطلان نماز در صورت زیاده سهوی و از روی جهل این است که مکلف به علت جهلی که دارد مثلا نماز با سوره را مأمور به می داند در حالی که امر واقعی به نماز بدون سوره است. در این فرض، اگر امر به نماز بدون سوره تصویر می شد، محرّک مکلّف به عمل بود اما چون امری که موجب تحریک مکلّف شده (نماز با سوره) وجود خارجی ندارد، شأنیتی برای تحریک نیز برای آن تصویر نمی شود در نتیجه، امر به نماز با سوره که غیر واقعی است، موجب تصحیح عمل نخواهد بود.

اما در صورت وجود امر به نماز بدون سوره و انجام سوره از روی عمد و به قصد تشریع، امری که موجب تحریک مکلف به انجام عمل شده است، امر واقعی به نماز بدون سوره است و امر به نماز با سوره به علت این که مکلف علم به عدم وجود آن دارد، نمی تواند موجب تحریک او به انجام عمل شده باشد. پس محرّک خارجی مکلف برای انجام عمل، چیزی است که بدان علم دارد و در فرض تشریع، علم به امر شارع به نماز بدون سوره دارد و همین محرّک او برای اتیان صلاه است هر چند با قصد تشریع، سوره را نیز انجام دهد. نه آنکه صورت ذهنی خیالی ساختگی ناشی از تشریع، موجب تحریک مکلف به اتیان صلاه باشد. [[4]](#footnote-4) البته باید بحث کرد که آیا بین جایی که رابطه بین صورت ذهنی واقعی ناشی از امر واقعی و صورت ذهنی خیالی ناشی از تشریع، تباین باشد یا رابطه بین این دو اعم و اخص باشد، تفاوت وجود دارد؟

حاج آقای والد به این مثال تمثیل دارند که خبر داده می شود وجود حضرت ولیعصر عجل الله در مسجد امام حاضر هستند. شخص با شنیدن این خبر دوان دوان به سمت مسجد امام حرکت می کند و در آنجا متوجه می شود حضرت ولیعصر عجل الله حاضر نیست ولی عالم موجه و بزرگواری را که مشتاق دیدار اوست، ملاقات می کند. در این مثال، حرکت به سمت مسجد امام معلول صورت ذهنی وجود حضرت ولیعصر عجل الله در مسجد امام است هر چند اگر می دانست به جای وجود ولیعصر عجل الله، این عالم بزرگوار در مسجد امام است، باز تحریک ایجاد شده و به سمت مسجد حرکت می کرد. پس صورت ذهنی که مطابق خارجی ندارد موجب تحریک شده است و فعلیت تحریک ناشی از صورت ذهنی واقعی نیست هر چند صورت ذهنی واقعی نیز شأنیت تحریک را دارد.

**صحت عمل در فرض خطای در تطبیق در مصداق با وجود امر واقعی کلی**

برخی از صورت های خطای در تطبیق، به روشنی موجب بطلان عمل نیست. مثلا اگر صورت کلی امر به اکرام عالم شده باشد. این امر به تعداد عالمین موجود در خارج منحل می شود. حال اگر شخصی، عالمی را به این تصور که زید عالم است اکرام کند ولی در واقع، این عالم عمرو عالم باشد. در این فرض هر چند تحریک وابسته به علم به کبری و علم به صغری است اما با این حال، خطای در تطبیق زید بر عمرو، موجب بطلان اکرام عمرو عالم نخواهد بود.

مثال دیگر این است که به تصور عالم به عمل نحو بودن عالمی او را اکرام کند ولی در واقع عالم به علم صرف باشد. در این مثال عالمیتی که شخص تصور می کند وجود خارجی ندارد اما عالمیت دیگری در همین مصداق عالم وجود خارجی دارد.

مثال سوم این است که امر به روزه ماه رمضان شده که این امر به تعداد روزهای ماه رمضان منحل می شود. حال اگر شخصی به این تصور که روز اول ماه رمضان است، به سمت عمل تحریک شده و روزه را انجام دهد در حالی که واقعا روز دوم ماه رمضان است. در این مثال، تخلف در تطبیق اتفاق افتاده است اما این میزان تخلف در تطبیق موجب بطلان روزه نیست زیرا از یک سو، فرض آن است که اگر مکلف می دانست روز دوم ماه رمضان است باز به سمت عمل تحریک می شد و از سویی دیگر، علم به ماه رمضان بودن او مخالف واقع نبوده و واقعیت دارد هر چند علم به ماه رمضان بودن ناشی از صورت ذهنی باطل اول ماه رمضان بودن است و از نظر عقلایی حکم به بطلان عمل در فرضی که امر واقعی به علت تطبیق بر فرد غیر واقعی موجب تحریک شده، صحیح نیست. بله اگر واقعا ماه رمضان نبود و مکلف تصور اول ماه رمضان را داشت، روزه او باطل بود زیرا امر واقعی به روزه ماه رمضان وجود ندارد.

عین همین بیان را می توان در محل بحث تطبیق کرد. در مورد بحث، امر کلی به نماز وجود دارد که موجب تحریک مکلف به انجام نماز شده هر چند با خطای در تطبیق، امر به نماز در قالب نماز با سوره تصویر شده است. اما مجرد تصور امر شارع بر خلاف شکل واقعی آن، باعث نمی شود محرّک بر انجام عمل غیر از امر شارع باشد. مورد بحث با مثال مذکور در کلام حاج آقای والد متفاوت است. مثال ایشان را می توان به نحوی تمثیل کرد که با مورد بحث وحدت پیدا کند. بدین نحو که محرّک برای رفتن به سمت مسجد امام دیدار ولی الله است اما به علت خطای در تطبیق، تصور شده وجود حضرت ولیعصر عجل الله در مسجد امام حاضر است. در این فرض، محرّک اولیه برای حرکت، دیدار ولی الله است و واقعا ولی الله حاضر است هر چند در قالب عالمی بزرگوار است نه حضرت ولیعصر عجل الله.

در نتیجه، مکلف قصد دارد امر شارع را به هر نحو است، امتثال کند. مکلف به اشتباه تصور می کند امر کلی شارع به صلاه که به نحو مجمل در ذهن او نقش بسته، نماز با سوره است در حالی که نماز بدون سوره مأمور به است. حال با این فرض که نماز لا بشرط از سوره است نه بشرط لای از سوره، محرّک انجام نماز همان امر کلی واقعی است هر چند این محرّکیت به توسیط تطبیق خیالی صورت گرفته باشد.

همانگونه که روشن است در مثال ماه رمضان و در مثال نماز، قصد به روزه و نماز کلی در تصحیح عبادیت کافی بوده و دلیلی وجود ندارد که باید قصد مثلا به روز اول بودن ماه رمضان یا بدون سوره بودن نماز وجود داشته باشد. به همین دلیل، هم امر واقعی به روزه و نماز وجود دارد، هم این امر واقعی موجب تحریک شده و هم قصد امر به میزان لازم تحقق یافته است. به همین دلیل، وجهی برای بطلان عبادت وجود ندارد.

در جلسات آینده با تفصیل بیشتری تفاوت بین خطای در تطبیق و تقیید توضیح داده خواهد شد.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

1. كفاية الأصول ( با تعليقه زارعى سبزوارى )، ج‏3، ص: 133 [↑](#footnote-ref-1)
2. به تعبیر دقیق تر، به علت جریان برائت از عقاب بر اتیان زیاده، [↑](#footnote-ref-2)
3. اشکال: برائت تنها رافع عقاب و مؤاخذه است و توانایی اثبات صحت را ندارد.

پاسخ: در مورد بحث با تمسک به برائت، عقاب بر اتیان زیاده رفع شده و همین به معنای صحت نماز است. زیرا معنای صحت، چیزی جز عدم عقاب بر زیاده نیست. [↑](#footnote-ref-3)
4. تمام این مباحث در این فرض است که نماز لا بشرط از سوره است و اتیان سوره موجب بطلان آن نیست و تنها بحث این است که تشریع می تواند موجب بطلان باشد یا نه؟ [↑](#footnote-ref-4)